

## تأملی بر زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی فتح اسلامی اصفهان

ابوالفضل رضوی\* / محمد حسین فروغی\*\*

دریافت مقاله: ۹۴/۰۳/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۴/۰۵/۰۱

### چکیده:

شهر اصفهان در مرکز فلات ایران، اقلیم مناسب و شرایط اقتصادی و راهبردی قابل اعتنایی دارد. این شرایط ضمن تاثیرگذاری بر ساختار حیات جمعی ساکنان شهر، در سیر تحول تاریخی آن نیز موثر بوده است. اصفهان اواخر دوران ساسانی از مراکز مهم تجاری، کشاورزی و نظامی ایران بود و این اهمیت تا حدی است که یزدگرد سوم به هنگام گریز در برابر اعراب، به اصفهان وارد شد، اما شرایط موجود را به نفع خویش ندید. اعراب نیز، پس از گشودن مرزهای بیرونی ایران، فتح اصفهان را نخستین هدف خویش در درون فلات مرکزی برگزیدند و این شهر پراهمیت را به صلح تصرف کردند. درحالی که مسلمانان در فتوحات خود در ایران با مقاومت مردم شهری مواجه بودند و در مواضع چندی به تصرف مجدد شهرها مجبور می شدند، فتح اصفهان آسان تر انجام گرفت و واکنش‌های مردمی بعدی در پی نداشت. در همین جهت، مسئله نوشتار حاضر تبیین موقعیت ممتاز اصفهان و اهمیت آن در فاصله زمانی اواخر حکومت ساسانیان و اوایل دوران اسلامی و نیز تشریح زمینه‌های فتح آن در قیاس با فتح سایر شهرهای بزرگ ایران توسط اعراب است. یافته‌های تحقیق که با بررسی منابع تاریخی و تاریخ نگاری و به شیوه کتابخانه ای به دست آمده و تفسیر شده است نشان می دهد که اصفهان به عنوان شهری برخوردار، خوش موقعیت و مرکز توجه طبقات ممتاز ساسانی، تحت تأثیر عوامل مختلفی فتح شده که در این میان سلوک آگاهانه و مصلحت جویانه اقبال شهری در برخورد مسالمت آمیز با فاتحان سهم به سزایی داشته است.

**کلیدواژه:** مسلمانان، اعراب، اصفهان، فتح اصفهان، زمینه های اقتصادی و اجتماعی.

---

\* دانشیار دانشگاه خوارزمی. پست الکترونیک: razavi\_edu@yahoo.com  
\*\* دانشجوی دکترا. (نویسنده مسئول). پست الکترونیک: vistygol@yahoo.com

## مقدمه

نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی و زمینه‌های حاصل از ضعف ساختاری حکومت ساسانی را در فتح مسالمت جویانه این شهر بررسی کند. فرضیه پژوهش حاضر این است که اصفهان در داخل فلات ایران و حد فاصل میان کوه و کویر، در حاشیه زاینده‌رود اهمیت اقتصادی فراوانی داشته و در دوران ساسانی از شهرهای مهم ایران بوده است. در مقایسه با مردمان دامدار و کشاورزان دیم‌کار در سایر نواحی ایران، مردم کشاورز این ناحیه، برای حفظ زمین‌های خود میل کمتری به جنگ و گریز و ترک شرایط معیشتی خود داشتند. به همین سبب اعراب در عین اینکه برای تصرف و تثبیت اصفهان نسبت به شهرهای دیگر ایران با مشکلات کمتری مواجه شدند، برای فتح آن نیز اهمیت فراوانی قایل بودند. به علاوه، شرایط سیاسی- اجتماعی حاکم بر شهر نیز به گونه‌ای بود که نوعی نارضایتی از حاکمیت ساسانیان در خود داشت که به فتح آسان‌تر شهر کمک می‌کرد.

## پیشینه و ضرورت تحقیق

اهمیت و جایگاه موثر اصفهان در ادوار مختلف تاریخ ایران سبب شده است که پژوهشگران تاریخ محلی و منطقه‌ای توجه بیشتری به این شهر و وجوه تاریخی آن داشته باشند. شمار کتب و مقالاتی که درباره این شهر و حیات فکری- فرهنگی، تاریخ سیاسی- اقتصادی، وضعیت اجتماعی- اعتقادی و میراث هنری و معماری اصفهان است موید این موضوع است. آثار متاخر همچون گنجینه آثار تاریخی اصفهان، نوشته لطف

اهمیت دشت اصفهان در جغرافیای سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران سبب شده است تا این شهر همیشه مورد توجه جهان‌گشایان قرار گیرد و هیچ‌گاه اهمیت خود را از دست ندهد. در حالی که بسیاری از شهرهای ایران با سقوط سلسله‌ای و یا با ویران شدن یا قتل‌عام توسط یک نفر، در دوران بعدی، اقتدار گذشته را نمی‌یافتند، این موضوع برای اصفهان متفاوت است؛ زیرا مرکزیت ویژه در فلات ایران و اهمیت کشاورزی و اقلیم مناسب آن به احیای شهر کمک کرده است. معروف است که عمر در مورد مسیر فتوحات اعراب در ایران با هرمزان رایزنی کرد و هرمزان گفت: اصفهان سر است و آذربایجان و فارس مانند دو بال، اگر سر را بزنی دو بال هم سقوط می‌کنند (مسعودی، ۱۳۷۰: ۱/ ۶۷۹؛ بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۲۸). بیشتر پژوهشگرانی که در موضوع «فتح اصفهان» تحقیق کرده‌اند با رویکرد سنتی و اثباتی، با تکیه بر منابع مکتوب به وقایع سیاسی و نظامی پرداخته‌اند. این در حالی است که بررسی وضعیت ساختاری اصفهان در اواخر عهد ساسانی و دقت در موقعیت ویژه این شهر از حیث طبیعی و اقتصادی و اجتماعی افق دیگری را به روی پژوهشگر باز می‌کند تا چگونگی و چرایی فتح مسالمت آمیز اصفهان را متفاوت ببیند. بر همین اساس، این نوشتار در پی آن است که ضمن نشان دادن جایگاه اقتصادی و اهمیت راهبردی اصفهان مقارن با فتوحات اسلامی و تأثیر این مهم در فتح مسالمت آمیز این شهر، رویکرد واقع‌گرایانه مردم اصفهان در برخورد با فاتحان و، همین‌طور، سهم

الله هنرفر، تاریخ اصفهان، نوشته جلال‌الدین همایی و اعلام اصفهان، تالیف مصلح‌الدین مهدوی غالباً به معاریف، آثار و اشخاص اصفهان پرداخته اند و متقدمین مانند مافروخی در محاسن اصفهان و حافظ ابونعیم در ذکر اخبار اصفهان نیز به وصف عمومی و اشخاص بسنده کرده‌اند. در این میان، تحقیقات تازه مانند اصفهان در دوره سلجوقیان، نوشته علی اکبر کجیاف و مقالات متعدد موضوعی دیگر، با نگاه به اصفهان از زاویه موضوع، سلسله یا آثار، وجوه مهم تاریخی و تمدنی این شهر را بررسی کرده و بر غنای مطالعات اصفهان شناسی افزوده‌اند. با این حال، وجوه مختلف تاریخ اصفهان ظرفیت مطالعه‌ی بیشتری دارد و نظر به نوظهوری انجام پژوهش‌های روشمند در مطالعه تاریخ و از جمله تاریخ محلی، این ظرفیت تاریخی اصفهان و ضرورت مطالعه آن را دو چندان نشان می‌دهد. پژوهشگران در این میان، اهتمام کمتری به بررسی جایگاه تاریخی اصفهان در طلیعه تاریخ دوران اسلامی داشته‌اند و به سبب فقر داده‌های تاریخی و یا عدم اعتنای لازم، به کلی‌گویی بسنده شده است. بنابر همین ضرورت، مقاله حاضر، ضمن مروری بر جغرافیای طبیعی و تاریخی اصفهان و جایگاه راهبردی این شهر، تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی اصفهان را در فتح مسالمت‌آمیز آن از سوی مسلمانان بررسی می‌کند.

### جغرافیای طبیعی اصفهان

شهر اصفهان در مرکز فلات ایران در فاصله حدود ۳۲۵ درجه عرض شمالی و ۵۱ درجه طول شرقی؛ (ربانی، ۱۳۷۰: ۳) در حاشیه پرباب‌ترین

رودخانه مرکزی فلات ایران با نام زاینده‌رود واقع شده است. ارتفاع متوسط شهر اصفهان از سطح دریا حدود ۱۵۰۰ متر، دمای متوسط شهر در یک دوره ۳۰ ساله ۱۶ درجه و متوسط بارندگی آن نیز ۱۱۳ میلی‌متر بوده است. بر همین اساس، اختلاف گرم‌ترین ماه سال با سردترین ماه سال کمتر از ۲۲ درجه برآورد شده است (سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان، ۱۳۷۲: ۱۲-۸). شهر در حد فاصل کوه‌های زاگرس و کوه‌های مرکزی ایران واقع شده است. هر چند جریان زاینده‌رود در بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی و رطوبت آن موثر بوده است، به دلیل قرار گرفتن دیواره کوهستانی زاگرس در غرب اصفهان، این شهر رطوبت زیاد ندارد. وجود صحراهای کویری در شرق اصفهان، در خشکی این شهر و وزش بادهای سوزان در فصل تابستان کمک می‌کند. شهر اصفهان در دهانه ورودی زنده رود به دشت واقع شده است؛ بنابراین، شهر از دشت و جلگه رسوبی تشکیل شده است. در طول تاریخ، اصفهان از نظر موقعیت طبیعی - بدون در نظر گرفتن ارتفاع از سطح دریا - همواره با شهرهای ری و همدان قابل مقایسه بوده است و از این جهت دل حقیقی ایران است (فرای، ۱۳۷۳: ۱۹). در چنین شرایط آب و هوایی، زندگی و اهمیت اصفهان تابعی از زاینده‌رود است. این رودخانه که از دامنه شرقی زردکوه در زاگرس سرچشمه می‌گیرد، در دشت اصفهان به سطح جلگه نزدیک شده و امکان استفاده از آب را برای کشاورزی فراهم می‌کند. جریان زنده رود در بالا بودن رطوبت هوا، سطح آب زیرزمینی و امکان حفر قنات و کشاورزی وسیع در جلگه اصفهان هم

موثر بوده است. به همین دلیل، آب و هوای اصفهان نیمه صحرايي و معتدل و فصول چهارگانه منظمی دارد. دمای شهر معتدل است و شرایط کشاورزی در این ناحیه به خوبی مهیاست. از این رو، جلگه اصفهان از حاصلخیزترین جلگه‌های فلات مرکزی ایران شمرده می‌شود. عوامل ذکر شده در توجه گروه‌های انسانی و تراکم جمعیت منطقه و، به دنبال آن، توجه جهان‌گشایان به شهر موثر بوده است و، در مجموع، زمینه ترمیم و احیای مجدد شهر بعد از سقوط‌های سیاسی را فراهم کرده است. کماینکه همین عوامل طبیعی و انسانی در رشد صنعت و هنر و رونق تجارت نیز موثر واقع شده و موقعیت اقتصادی شهر را مطلوب ساخته است.

### جغرافیای تاریخی اصفهان و جایگاه شهر در دوران ساسانی

نام اصفهان معرب اسپهان است. از این ناحیه در طول تاریخ به نام‌های مختلفی از جمله: آنزان، گابیان، گای، جی، اسپاهان، صفاهان و اسپادانا یاد شده است. از این شهر در دوران اسکندر با نام اسپه یاد کرده‌اند و موسی خورن در قرن پنجم از آن با عنوان اسپهان یاد کرده است (میناسیان، ۱۳۸۷: ۴۳). به نظر می‌رسد نام سپاهان از «اسپوان» و برگرفته شده از دو واژه اسپ به معنی اسب و اوان به معنی شهرک باشد که در ترکیب اسپوان آمده و به معنی مرکز پادگان سواره خوانده شده

است (میناسیان، ۱۳۸۷: ۳۰).

اصفهان در دوران ساسانی از دو محله‌ی جی و یهودیه و روستاهای متعدد در حواشی آنها تشکیل شده بود. وجود پل‌های عظیم مارنان و شهرستان از دوره‌ی باستان، دلالت بر اهمیت این ناحیه دارد. جی در دوره‌ی ساسانی چهار دروازه داشت که یکی از آنها به نام یهودیان بود (بارتولد، ۱۳۸۶: ۱۸۷). در نقشه ذیل، مکان‌های سیاسی، مذهبی و شهری با اهمیت در دشت اصفهان مشخص شده است. افزون بر این، حاشیه زنده رود و جلگه اصفهان روستاهای آبادی را در خود جای داده بود.

از موقعیت این شهر در دوران هخامنشی و اشکانی آگاهی اندکی وجود دارد. با این حال، از تأسیس آتشکده‌های دارک، اردستان و ماربین اصفهان توسط اردشیر درازدست گزارش شده است (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۳۱). با روی کار آمدن ساسانیان این شهر اعتبار ویژه‌ای یافت. اردشیر بابکان کشورگشایی خود را از اصفهان و با سرکوب شاذشاپور شهریار این شهر آغاز کرد (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۱۰۷). در کتیبه شاپور بر کعبه زردشت از شهر جی یاد شده است و در کتیبه کرتیر نام سپاهان موجود است. نام سپاهان در ردیف نام چهارده مرکز شهری که مرزبان داشته‌اند آمده است (همان: ۱۵۹). در دوران انوشیروان اصفهان در جزء پادگس<sup>۱</sup> نیمروز و مرکز اشراف و سپاه بود. مافروخی (۱۳۸۵: ۱۰۹) اصفهان را

۱. انوشیروان ایران را به چهار بخش (پادگس) اپاختر، نیمروز، خورآسان و خوربران تقسیم کرد و برای هر کدام «پادگسبان» قرار داد. هر بخش به استان (کوره) تقسیم می‌شد.

جمعیت فراوان را فراهم کرده است. این شرایط طبیعی سودمند سبب شد تا ناحیه اصفهان در دوران کهن پر جمعیت باشد (همان: ۱۸۸)؛ علاوه بر این، اصفهان پلی برای اتصال سرزمین های شرق با کوهستان های غرب فلات ایران بوده است. بنا بر همین شرایط است که اصفهان در قلب ایران در ردیف شهرهایی است که هم ترکان شرقی و هم دشمنان غربی بر آن تاخته اند. شرایط طبیعی اصفهان در مرکز فلات ایران این شهر را به یکی از مراکز مهم حفظ و نگهداری از سپاهیان تبدیل کرده بود. دینوری (۱۳۶۶: ۱۶۲) از فرستادن سپاهیان اصفهانی برای جنگ با اعراب یاد کرده است. ارزش تجارتي و البته کم بودن خطر زلزله هم نقش مهمی در پویایی و پایایی این شهر داشته است (جعفری زند، ۱۳۸۱: ۳۳).

در دوران اسلامی اعراب به درآمد این شهر توجه کردند و سعی داشتند تا با همان نیروی قبل شهر را حفظ کنند. به هنگام ورود اسلام آتشگاه ماریین و دارک فعال بوده و جی و یهودیه در اصفهان کنونی، مرکزیت روستاهای مجاور مانند قهجاورستان، ارزنان، گار، دارک، ماریین و صدها روستای حاشیه زاینده رود را داشته اند. اهمیت این شهر در همان آغاز چنان بوده است که عبدالملک در زمان مختار و مصعب برای جلب بزرگان عراق به سوی خود، به آنان وعده حکومت اصفهان را دادند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۶۱). جایگاه اصفهان در دوران اسلامی تا آنجا بود که این شهر چند دوره پایتختی کشور ایران را در کارنامه

لشکرخداي خوانده است. وجود نام های باستانی برای شهرها و روستاهای این منطقه و آتشکده های معروف در مسیر اصفهان تا تالاب گاوخونی نشان دهنده اهمیت و سابقه تاریخی این ناحیه است. مورخین از وجود زیچ شهریاری در اصفهان و بنای با عظمتی به نام سارویه در این ناحیه گزارش داده اند که در اوایل قرن چهارم هجری فروریخته و کتاب های فراوانی در آن به خط باستانی ایران و خطوط یونانی کشف شده است. این کتب در آن زمان برای خواندن به بغداد منتقل شده اند (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۱۸۳). یهودیان ایران البته در چشم ساسانیان با مسیحیان یکسان نبودند؛ اما گزارشی از درگیری یهودیان اصفهان با پیروز ساسانی و فرمان قتل ایشان در دست است (همان: ۵۴). وجود یهودیه در کنار جی و نیز انتساب سلمان فارسی - ناراضی زردشتی - به این شهر (اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۶۶) نشان دهنده تنوع ادیان و فرقه های مختلف در این شهر است. اصفهان، همچنین، یکی از مهم ترین مراکز مزدکیان در دوران ساسانی بوده است (گرانوسکی، ۱۳۵۹: ۱۷۴). با این حال شهر و ناحیه ی اصفهان همواره از دو سوی، کوه و کویر (شرق و غرب)، مورد هجوم بوده است. گزارشی در دست است که از غارت و ویرانی اصفهان در اواخر دوران ساسانی (۶۱۶م) توسط هپتالیان حکایت می کند (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۸۸).

ارزش اصفهان در طول تاریخ همواره تابعی از زاینده رود بوده است. وجود این رودخانه و جلگه حاصلخیز آن در سرزمین گرم و مناسب فرصت کشاورزی خوب و تولیدات مناسب برای زندگی

تاریخی خود ثبت کرده است.

### ماجرای فتح اصفهان

فتح اصفهان در دل فلات مرکزی ایران برای اعراب مسلمان اهمیت فراوانی داشت. با شکست ایرانیان در قادسیه و تصرف تیسفون به دست اعراب، فاتحان عرب شیرازه حکومت ساسانی را از هم گسیخته بودند. یزدگرد سوم یکی از اشراف سلطنتی به نام هرمزان را به مشورت خودش به شوشتر فرستاد تا از رخنه دشمن به فلات ایران جلوگیری کند. هرمزان در شوشتر مستقر شد و با بهره‌گیری از نیروهای کمکی خوزستان و فارس، چنان پایداری از خود نشان داد که فتح شوشتر به سخت‌ترین فتوح عرب تبدیل شد (دینوری، ۱۳۶۶: ۱۶۴). با شکست هرمزان و تصرف شوشتر، یزدگرد به نبرد نهاوند امید بسته بود و به درون فلات مرکزی پناه برد. فتح نهاوند در سال ۱۹ یا ۲۱ هجری از آن جهت برای اعراب فتح الفتوح بود که دفاع رسمی دولت ساسانی در برابر اعراب در آن پایان یافت. از این پس دفاع ایرانی به کوشش‌های جسته و گریخته ساکنان شهرهای ایرانی در برابر اعراب پراکنجه و هیجان‌زده از غنایم خلاصه می‌شد.

قدر مسلم آن است که فتح اصفهان پس از تصرف شوشتر و نهاوند بوده است؛ زیرا از سویی منابع تاریخی از رایزنی عمر با هرمزان (فرماندار تسلیم‌شده شوشتر)، پس از فتح نهاوند و نظر او برای فتح اصفهان نوشته‌اند (مسعودی، ۱۳۷۰: ۱ / ۶۷۹؛ بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۲۸؛ طبری، ۱۳۷۵: ۱۹۶۶) و از سویی، تکاپوی یزدگرد برای دفاع از سلسله ساسانی پس از شکست نهاوند هنوز ادامه داشت.

شاید پیروزی‌های دهقان اصفهانی در یکی از جنگ‌های خود با اعراب سبب شد تا یزدگرد اصفهان را پس از شکست‌های قبلی به عنوان پناهگاه خود برگزیند. یزدگرد به اصفهان آمد ولی از همان آغاز با همان دهقان اصفهانی با نام مطیار اختلاف پیدا کرد. از آنجا که این دهقان آداب سلطنتی را رعایت نمی‌کرد، یزدگرد از او ناامید شد و از اصفهان گریخت (طبری، ۱۳۷۵: ۲۱۴۷).

موضوع چگونگی فتح و نام فاتح یا فاتحان شهرها در تاریخ اسلام همواره با اختلاف نظر مورخان همراه بوده است. تشابه اسمی، اصرار بر ثبت افتخارات قبیلگی، موضوع رقابت بصریان و کوفیان در ثبت فتح شهرها به نام خودشان (اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۴۱) و یا بی‌اهمیت بودن موضوع از دیدگاه راویان نخستین را می‌توان از علل اختلاف در روایات در این مورد دانست. از این بابت اصفهان هم از این قاعده مستثنا نبوده است. در مورد فاتح اصفهان دو روایت موجود است. بلاذری در *فتوح البلدان* (۱۳۶۷: ۴۳۹) از محمد بن سعد روایت می‌کند: عمر بن خطاب عبدالله ابن بدیل و رقاء خزاعی را در سال ۲۳ مأمور فتح اصفهان نمود و به قولی عمر به ابوموسی اشعری نامه نوشت و بفرمود تا عبدالله ابن بدیل را با سپاهی به اصفهان روانه کند و او چنان کرد. این در حالی است که طبری به روایت از سیف ابن عمر تمیمی، فاتح اصفهان را عبدالله ابن عبدالله بن عتبان می‌داند که در سال ۲۱ هـ. ق اصفهان را گشوده است. یکی از پژوهش‌های اخیر در این مورد دلایلی به دست می‌دهد که روایت طبری را فاقد وجهت تاریخی دانسته و عبدالله بن بدیل

ورقاء مذکور در روایت بلاذری را به عنوان فاتح حقیقی اصفهان معرفی می کند (منتظر القائم، ۱۳۷۷: ۳۴-۲۵).

عبدالله ابن بدیل از طرف عمر مأمور فتح اصفهان شد. هم زمان با فتح یا اندکی پس از آن نیز ابوموسی اشعری به عنوان نیروی کمکی، خود را به اصفهان رسانید. اگر چه روایات مربوط به فتح اصفهان در نام فاتح و سال فتح اختلاف دارند، اما در مورد جریان و نوع فتح تا حدود زیادی اتفاق نظر دارند و فتح شهر را با صلح ذکر کرده اند. در آستانه فتح اصفهان، فاذوسفان یا مرزبان اصفهان که از همراهی مردم شهر با خود ناامید بود گریخت و اعراب وی را تعقیب کرده و با او درگیر شدند. از این رو، ظاهراً پیش از فتح شهر، درگیری مختصری میان مرزبان و فاتح رخ می دهد و به دنبال آن مرزبان با اعراب در تسلیم شهر همکاری می کند (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۰؛ اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۳۹). اصفهان از معدود شهرهایی است که مردم آن علیه اعراب شورشی نکردند و فتح دومی در آن روی نداد. بلاذری (۱۳۶۷: ۴۴۰) می نویسد: «محمد ابن سعد روایت کرد که اشعری بر اسبها نزل کرد و بر ایشان اسلام عرضه داشت لکن ابا کردند. پس جزیه پیشنهاد کرد و آنان بر این قرار با وی صلح کردند و شب را صلح بودند و صبح عهدشکنی کردند اشعری جنگید و پیروز شد. محمد ابن سعد گوید: این داستان را من به اهل قم مربوط می دانم».

### زمینه های فتح اصفهان

در کنار مشکلات بنیادین دولت ساسانی،

جنگ های طولانی مدت خسرو پرویز با رومیان و حوادث طبیعی آن زمان در قالب طغیان دجله و فرات که زمینه شکستن چند سد شده بود (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۵۱۵) توان اقتصادی ساسانیان را کاسته بود. درعین حال سقوط پایتخت ایران به دامان اعراب به همان اندازه ای که توان اقتصادی ایرانیان را در دفاع از کشور خود از میان برد، به همان اندازه یا بیشتر از آن فاتحان عرب را برای گسترش فتوحات توانا تر کرد. فتح شهرهای مختلف در کشور ایران تابعی از این قاعده کلی است. از یک سوی، ناهماهنگی های ساختاری در ارکان قدرت و نارسایی کارکردهای دین رسمی که در قالب تشریفات خسته کننده کارایی خود را از دست داده بود (فرای، ۱۳۷۳: ۳۷۶) و نیز فقر عمومی زمینه رضایتمندی از دولت را بسیار کاهش داده بود. از سوی دیگر، اعراب برای رسیدن به امکانات بیشتر پس از فتوحات اولیه حریص تر شده بودند و دسته های متعددی از آنها گوش به زنگ فرمان فتوحات و کسب غنایم بودند. در این میان، البته روند فتوحات اعراب در شهرهای داخلی فلات ایران متفاوت بود و به رغم از میان رفتن توان دفاع عمومی، بسیاری از شهرها با جنگ گشوده شدند. درعین حال، برخی از شهرها پس از فتح نخستین در برابر اعراب قیام کردند و اعزام نیرو و فتح دوباره را ضروری کردند. اصفهان از شهرهایی است که به نظر می رسد از دست دادن آن برای ساسانیان ناگوار بود، اما فتح آن با دشواری چندانی همراه نبود و عواقب پرزحمتی هم برای اعراب نداشت. مهم ترین علل این موضوع را می توان در موارد زیر جستجو کرد.

**الف) نارضایتی سیاسی و اجتماعی مردم شهری**

فرار یزدگرد از نهاوند به اصفهان و امید به مقاومت در این شهر از جایگاه اشراف و قدرت مالی این شهر حکایت می‌کند. کریستن سن (۱۳۶۷: ۵۳۰)، اصفهان را جایگاه ولیعهد و شاهزادگان عصر ساسانی دانسته و می‌نویسد: این شهر در پایان دوران ساسانی مرکز واسپوهران ایران محسوب می‌شده است و واسپوهران آمارکار یا مستوفی خراج واسپوهران در این شهر مقام داشته است. یزدگرد پیش از ترک اصفهان هفتاد نفر از اشراف و واسپوهران را به استخر فرستاد و بعد از آنکه اصفهان به دست اعراب تصرف شد، خود نیز به «استخر» پناهنده شد. هرتسفلد، واسپوهر را به معنای اخص، عنوان ولیعهد دانسته و یادآور می‌شود که اصفهان را معمولاً به ولیعهد می‌دادند و «واسپوهرگان» نام رسمی ایالت اصفهان است (همان: ۱۲۹).

با از میان رفتن اقتدار انوشیروانی و بروز مشکلات در دوران خسرو پرویز و پس از آن دو مشکل عمده ظهور کرد: نخست آنکه، مزدکیان فرصت بروز یافتند؛ درحالی‌که در ایام اقتدار، خویشتن را مخفی کرده بودند. اصفهان در دوران ساسانی از مهم‌ترین مراکز جمعیت مزدکیان بوده است (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۵۰؛ گرانوسکی، ۱۳۵۹: ۱۷۴). حضور بازماندگان مزدکی در اصفهان نشان از حضور ناراضیان در پایگاه مهم اشراف و واسپوهران است که نگران موقعیت و اموال خود بودند (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۵۳۰). دوم اینکه، کاهش اقتدار دولت ساسانی، فرصتی برای تسلط سرداران و واسپوهران در قالب ملوک الطوائف بر مناطق مختلف فراهم کرده بود

(فرای، ۱۳۷۳: ۳۷۵). بی‌احترامی حاکم اصفهان به یزدگرد که سبب فرار قهرگونه وی از این شهر شد دلیل بر این مدعاست (طبری، ۱۳۷۵: ۲۱۴۷). با این اوصاف، نارضایتی موجود از یک سوی ریشه در ضعف ساختاری حکومت ساسانی و نوعی گسست در عملکرد اشرافیت ساسانی مستقر در اصفهان داشته که حفظ منافع خود را ارجح بر دفاع از ماندگاری حکومت می‌دانسته اند، و از سوی دیگر، به نارضایتی اجتماعی و اقتصادی رعایا از وضع موجود مربوط می‌شده است که در عملکرد منفعلانه ایشان در دفاع از حکومت ساسانی، تسلیم مسالمت‌آمیز شهر و عدم شورش علیه اعراب خود را نشان داده است. بی‌تردید ادعاهای مهاجمین در عمل به دستورات اسلامی مبنی بر رعایت عدل و مدارا نیز در این سلوک مسالمت‌جویانه مردم و بزرگان ناراضی اصفهان تأثیرگذار بوده است.

**ب) تلاش ساکنین برای حفظ پایگاه اقتصادی**

جایگاه مناسب اصفهان در حاشیه زنده رود و موقعیت مناسب بازرگانی آن از دیرباز مورد توجه بوده است. حضور واسپوهران و آمارکاران در دوران ساسانی و توانایی مالی اصفهان در دوره‌های اسلامی نیز موید همین است. اهمیت اقتصادی اصفهان مرهون کشاورزی و بازرگانی پرونق شهر بوده است. وفور آب زنده رود و دما و رطوبت مناسب همراه با سطح نسبتاً بالای آب‌های زیرزمینی زمینه‌ی برتری کشاورزی اصفهان را در فلات مرکزی ایران فراهم کرده است. صاحب محاسن اصفهان، این ناحیه را به دو بخش: اصفهان (رو دشت علیا) و رو دشت سفلی با



مساحت ۶ در ۱۴ فرسنگ معرفی کرده که بیش از ۸۰۰ ده و مزرعه آباد دارد و یک قطره آب مهمل در آن روان نیست (مافروخی، ۱۳۸۵: ۷۴). دمای مناسب هم به این شرایط کمک می‌کرد تا کشاورزی این منطقه را در فلات مرکزی ایران بی‌رقیب نگه دارد. وصف گسترده‌ی زمین‌های کشاورزی و تولیدات زراعی و باغی آن در گزارش‌های تاریخی، شاهد این مدعاست (مافروخی، ۱۳۸۵: ۷۵؛ مستوفی، ۱۳۸۱: ۹۰؛ ناصر خسرو، ۱۳۷۲: ۱۱۸). اقتصاد ساکنان مناطق شهری و روستاهای حاشیه آن در طول جلگه زنده رود وابسته به زمین‌های زراعی بود. این وابستگی مردم اصفهان به معیشت زراعی وضع ساکنان شهر را با سایر مناطق فلات مرکزی که معیشت غالب آنها از راه دامداری بود متفاوت می‌کرد.

بی تردید تفاوت در مفاد صلح‌نامه اصفهان با فاتحان، در مقایسه با شهرهای هم‌تراز خود نیز از همین وضعیت فلاحتی و تلاش عمومی برای حفظ شرایط مذکور ناشی شده است. از این رو، در بخشی از صلح‌نامه فتح اصفهان چنین آمده است که مرزبان اصفهان با اعراب در تسلیم شهر همکاری می‌کند، به شرط آن که عبدالله (فاتح) قول دهد تا هر کس بخواهد بماند و جزیه بدهد و بر سر مال خویش باشد و با دیگرانی که زمینشان را گرفته‌اند نیز چنین کنند، فاذوسپان گفت: هر که از شرایط ما سرباز زند هر جا که خواهد رود و زمینش از آن شما باشد (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۰؛ اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۳۹). در کنار کشاورزی پر رونق آبادی‌های متعدد اطراف شهر و تولیدات مختلف زراعی منطقه، قرار گرفتن اصفهان در مسیر

چهارراه بازرگانی شمال- جنوب و شرق به غرب نیز موقعیت ویژه‌ای به این شهر می‌داد و نایت بازرگانان به آن را جلب می‌کرد. گذار راه‌های کویر از خراسان و یزد و کرمان برای عبور کارگزاران حکومتی و بازرگانان به سمت عراق عرب و فارس و خوزستان و بوشهر از طریق اصفهان نیز به ارزش این منطقه افزوده بود. این شهر در مسیر جاده ابریشم قرار داشت و یکی از راه‌های ارتباط با شهرهای جبال نیز از راه اصفهان بود. اصفهان بر سر شاهراه تجاری غربی- شرقی و شمالی- جنوبی قرار داشت و از این جهت نقش مهمی در تاریخ ایفا می‌کرد. وجود کاروانسراهای متعدد در این مسیرها نیز گواه همین اهمیت است (سیرو، ۱۹۴۹: ۴۴). حضور شمار یهودیان در اصفهان و فعالیت آنها در حوزه اقتصاد بازرگانی هم دلیلی بر این اهمیت است که در جای خود نقش موثری در رونق شهر داشته است. به علاوه، اصفهان در سراسر دوران ساسانی یکی از مراکز مهم ضرب سکه بود و در دوران اسلامی هم این موقعیت را حفظ کرد. نام گی (جی) و سپاهان در سکه‌های ساسانی یافت می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد حداقل از زمان شاپور سوم تا زمان خسرو پرویز در اصفهان سکه ضرب می‌شده است (آلت‌هایم و استیل، ۱۳۸۲: ۹۹). اصفهان دوران اسلامی، یکی از مراکز مهم ضرب سکه‌های معروف به سکه‌های عرب- ساسانی بود و از تمامی دوره‌های اسلامی در اصفهان سکه‌هایی یافت شده است (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۰: ۱۶۴-۱۳۹). شرایط دیوانی و چگونگی جمع‌آوری خراج اصفهان در این زمان نیز بر مبنای عهد ساسانی بود.

گزارش‌های تاریخی حکایت از آن دارد که دیوان اصفهان در دوران ابومسلم خراسانی به عربی برگردانیده شد و از این قرار باید گفت دیوان خراج اصفهان دیرتر از سایر شهرها به عربی ترجمه شد (محمدی ملایری، ۱۳۸۴: ۹۷). این وضعیت، ساکنان شهر از هر قشری را تشویق می‌کرد که با اتخاذ بهترین شیوه ماندگاری شرایط خویش را سبب شوند و در روند انتقال قدرت به فاتحان کمترین زیان را متحمل شوند.

### ج) واقع‌گرایی مردم و اشراف زمین‌دار

با فراهم شدن زمینه‌های عمومی سقوط ایران در برابر اعراب و پاره شدن شیرازه حکومت با از دست دادن تیسفون، بقیه نقاط مملکت تاب مقاومت در برابر سیل سپاه مشتاق برای یافتن غنایم بیشتر را نداشتند. شهرهای مختلف هر کدام به شکلی تسلیم شدند و صلح‌نامه‌ای نوشته شد. در اصفهان اما درحالی که انتظار می‌رفت اشراف و سپاهیان مقاومت کنند، هیچ مقاومتی نشد و مردم وابسته به زمین، مانند نواحی دیگر، سر به کوه نگذاشتند و مقاومت جدی نکردند؛ بلکه از سر مصلحت و منفعت به طریق صلح تسلیم شدند تا منابع درآمد و پایگاه خود را در برابر مهاجمان از دست ندهند. دهقانان و اشرافیت شهری هم با ناامیدی کامل از ساسانیان و بی‌اعتمادی به رعایا در پی همکاری با اعراب جهت حفظ موقعیت اجتماعی خود بودند (صدیقی، ۱۳۷۲: ۷۲). یکی از دلایل سهولت فتح اصفهان ترس همین اشراف و زمین‌داران از تصرف اموال خود توسط اعراب مسلمان بود. در داستان فتح اصفهان آمده است، که مرزبان اصفهان به عربی

که در تعقیب او بود گفت میل داری با تو صلح کنم و برای اصفهان قبول جزیه کنم، به شرط آنکه هر که خواهد در آنجا اقامت کند و از اهل ذمه شناخته شود و هر که خواهد بگریزد و کسی متعرض او نشود و شهر را به تو بسپارم؟ (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۰). چنانکه از این گزارش پیداست اشرافیت شهری، مسلمان شدن طبقات فرودست را با منافع و جایگاه خود در تضاد می‌دیده‌اند. بنابراین، برای نگه‌داشتن مقام مالی و اجتماعی خویش همواره می‌کوشیدند تا با فاتحان عرب مصالحه کرده و مقام واسطه بودن خود را برای منافی که از راه مأموریت خود در میان مردم منطقه خود به دست می‌آوردند، حفظ کنند. البته این رویه برای اعراب هم سودمند بود؛ چرا که اعراب کشاورز نبودند تا آداب دریافت مالیات را بدانند و دهقانان ایرانی زحمت آنان را برای گرفتن مالیات و امنیت محلی کم می‌کردند. از سوی دیگر، شرایط اصفهان از نظر دفاعی ضعیف بود و در دشت بی‌دفاع اصفهان قلعه‌های مستحکمی وجود نداشت تا فکر مقاومت را در اندیشه ساکنین تقویت کند. آشنایی بزرگان شهر با شرایط رو به زوال مملکت و آگاهی بر اشتیاق مهاجمان در تسخیر شهر نیز در این رویکرد واقع‌گرایانه عمومی تأثیرگذار بود. با این اوصاف، به نظر می‌رسد که شرایط عمومی حاصل از زوال سریع ساسانیان و وضعیت اقتصادی و اجتماعی حاکم بر ساختار حیات جمعی ساکنان اصفهان، نوعی واقع‌گرایی عمومی در خود داشت که در پرتو آن اشراف و برگزیدگان سیاسی در نتیجه گسست در ساختار قدرت و برای حفظ موقعیت خویش، دهقانان برای حفظ پایگاه

اجتماعی و امتیازات اقتصادی، ناراضیان فکری و فرهنگی در جهت تغییر شرایط و رعیت در راستای ماندگاری شرایط معیشتی خود، سعی در برخورد مسالمت‌آمیز با فاتحان کردند و با دل بستن به ندای عدالت‌طلبانه مسلمانان، حفظ شرایط موجود را مهم شمردند.

#### د) نارضایتی اعتقادی و بی‌تفاوتی طبقه دینی

به دلیل وابستگی مذهب به حکومت در کلیات حکومت ساسانی، با برافتادن حکومت مرکزی طبقه مذهبی نیز جایگاه خود را در میان طبقات عامه از دست داد و با واکنش مردمی در دفاع از خود مواجه نشد. در این زمان، دستگاه‌های دینی در قالب سازمان منظم زیر نظر موبدان، دین اخلاقی زرتشت را به حالتی در آورده بودند که پر از اعمال مشقت‌آمیز و منهیات بیهوده شده بود و در روح مردم نفوذی نداشت و قدرت معنوی خود را از دست داده بود (صدیقی، ۱۳۷۲: ۳۲). توصیف و انتخاب واژگان زرین‌کوب از این شرایط ما را به درک بهتری می‌رساند: روحانیت فاسد و طماع و اشرافیت متجاوز و مغرور هر روز به نابسامانی‌ها گسترش می‌دادند و فاصله مردم و حکومت را بیشتر می‌کردند. قدرت و فساد پایان‌ناپذیر موبدان یاس‌کننده‌ای را در مردم ترویج می‌کرد. این شرایط برای اصفهان که، از سویی، جایگاه واسپوهران بود و، از سوی دیگر، به سبب آتشکده‌های معروف، موقعیت دینی ممتازی داشت، نشان می‌دهد که این دو طایفه ممتاز در میان طبقات عامه جایگاه مناسبی نداشته‌اند. فعالیت گسترده مزدکیان در این ناحیه که با آشکار شدن ضعف ساسانیان پس از خسرو پرویز دوباره بروز

یافته بود (یار شاطر، ۱۳۸۹: ۴۵۸؛ گراتوسکی، ۱۳۵۹: ۱۷۴)، به درک اختلاف طبقاتی و وجود نارضایتی در میان مردم در آن زمان کمک می‌کند. چنانکه آمد، موقعیت کشاورزی، تجاری و تولیدی اصفهان که اهمیتی راهبردی به این شهر داده بود، وجود اشراف و واسپوهران را در این شهر ایجاب می‌کرد. این موضوع، به نوبه خود، زمینه‌های ایجاد اختلافات طبقاتی را فراهم کرده بود و سبب بروز ناآرامی‌ها و عامل موثری در ایجاد خیزش‌های اجتماعی و اقتصادی بود. از این حیث، اصفهان دوران ساسانی یکی از مراکز مهم جنبش مزدکی بود و در دوران اسلامی نیز یکی از مراکز مهم این اندیشه قلمداد می‌شد. گزارش‌های فراوانی از وجود خرم دینان در اصفهان در طول قرن دوم هجری و کوشش آنان برای یاری‌رساندن به بابک خرم‌دین در آذربایجان در دست است (صدیقی، ۱۳۷۲: ۳۲۲-۲۲۷). از آنجا که حمایت مردم از حاکمان تابعی از رضایت آنان از حکومت است نقش این نارضایتی را می‌توان در بی‌تفاوتی مردم به هنگام تسلیم شهر جستجو کرد. در عین حال، اختلاف میان کارگزاران حکومتی با یکدیگر و نیز با رعایا از زمینه‌های اختلاف، نارضایتی و تسلیم زود هنگام شهر بوده است. گزارشی از همراهی میان طبقه مذهبی موبدان با رعایا در حفظ شهر در دست نیست و به نظر می‌رسد که اعراب بر جامعه‌ای واگرا و پر از تفرقه پیروز شده‌اند. از سوی دیگر، اصفهان از دیرباز محل سکونت یهودیان بوده است. اختلافات میان یهودیان و حکومت دینی ساسانی که در چند مرحله به برخورد با آن‌ها و کشتار ایشان منتهی شده بود نیز

بی‌تردید فاتحان مسلمان نیز به این شرایط واقف بوده و فتح شهر را مهم می‌شمرده‌اند. مذاکره خلیفه دوم در این جهت و مشورت دادن معروف هرمان به خلیفه که اصفهان سر است و آذربایجان و فارس دو بال، اگر سر را قطع کنی دو بال از کار خواهد افتاد نیز حاکی از موقعیت ویژه اصفهان برای اهل سیاست در آن زمان است (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۲۸). توصیف جایگاه اصفهان از سوی هرمان و دقت خلیفه در فهم این شرایط، سهم راهبردی این شهر را در جغرافیای سیاسی ایران در آستانه سقوط دولت ساسانی ترسیم می‌کند و این را به ذهن وارد می‌سازد که اعراب برای فتح اصفهان ارزش ویژه‌ای قایل بودند. اختلاف میان حاکمان کوفی و بصری بر سر فتح اصفهان که تا زمان معاویه نیز باقی بود و تلاش و بلکه دعوا بر ای اخذ خراج و جزیه‌ی فراوان و ارزشمند نیز از جایگاه برتر شهر حکایت دارد. حافظ ابونعیم ضمن توضیح شرایط فوق، اشعاری را از زبان فاتح اصفهان نقل می‌کند که جایگاه اقتصادی بی‌نظیر اصفهان را برای هم‌زمان عرب وی نشان می‌دهد. در این اشعار، فتح اصفهان هم دارای ارزش فراوان اقتصادی و هم ارزش راهبردی مهم است<sup>۱</sup> (نک: اصفهانی، ۱۳۷۷: ۱۴۳-۱۴۰).

چنانکه آمد، اهمیت اصفهان برای اعراب از جهت اقتصاد مناسب، آب و هوای مطلوب و درآمد کافی چنان بود که موضوع تصرف و به تبع آن، چگونگی مصرف مالیات آن همواره مورد اختلاف عاملان بصره و کوفه بوده است (همان). گزارشی در دست

در واگرایی ساکنان اصفهان و عدم مقاومت در برابر مسلمانان تأثیر به سزا داشت. این تفرقه یهودیان با حکومت و اشراف و موبدان ساسانی، که بیشتر ماهیت دینی داشت سبب شد تا اعراب با استقبال یهودیان مواجه شوند (یارشاطر، ۱۳۸۹: ۳۵۶-۳۵۴)؛ چرا که در نگاه مهاجمان، به عنوان اهل کتاب مورد پذیرش بودند.

### ه) اهمیت راهبردی شهر برای فاتحان

چنانکه آمد، اصفهان در میانه راه هند و خراسان و سیستان به عراق عرب ارزش راهبردی فراوانی داشت. در طرف شمالی هم از قزوین، که دروازه آذربایجان است، تا جلگه‌های دوردست فارس و اقیانوس هند جاده‌ای وجود داشت که از سرزمین اصفهان می‌گذشت (سیرو، ۱۹۴۹: ۷). بنابراین، از جهت تجاری و راهبردی پراهمیت بود. از سوی دیگر، ورود زنده‌رود به دشت اصفهان در مسیر حدوداً ۱۵۰ کیلومتری خود تا دهانه باتلاق گاوخونی، زمین‌های حاشیه را تا شعاع حدود ۱۰ کیلومتر از طریق انشعابات خود سیراب می‌کرد و سطح آب زیرزمینی و میزان رطوبت هوا را بالا نگه می‌داشت تا سرزمین‌های دورتر نیز با قنوات پرآب در خدمت کشاورزی باشند. قرار گرفتن شهر در فاصله بیابان و کوه نیز اقلیمی مناسب برای این شهر به ارمغان می‌آورد که با آب فراوان و خاک حاصلخیز، ارزش ویژه آن را چند برابر می‌کرد. این شرایط توجه هر فاتح و حاکمی را جلب می‌کرد و تا برای حفظ شهر و یا به دست آوردن آن بکوشند.

۱- و عادت لقوحاً اصفهان بأسرها تدرُّ لنا منها القرى والدرهم

و انی علی عمدی قبلت جزاء هم غداة تفادوا و الفجاج قواثم

شده است. در این میان اما روایت بلاذری در فتوح البلدان جامعیت، استحکام و استدلال مناسب تری، نسبت به سایر منابع دارد. در راستای درک بهتر زمینه های موثر در فتح اصفهان و عمدتاً با استناد به روایت بلاذری، در جدول زیر فتح اصفهان با فتح دیگر شهرهای هم تراز خود مقایسه شده است.

است که نشان می دهد عبدالملک مروان برای تحریک کوفیان علیه مصعب ابن زبیر به اشراف عراق وعده داد چنانچه بر ضد مصعب و زبیریان قیام کنند خراج اصفهان را به آنان خواهد داد (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۱۳۱). دو منطقه ی جی و یهودیه فعالیت تولیدی و تجاری بهینه ای داشتند و هماهنگی این دو گروه شغلی در کنار موقعیت مناسب کشاورزی و قرار گرفتن این ناحیه در چهارراه کشوری، موقعیت ممتازی به اصفهان داده بود که درآمد مالیاتی حاصل از شهر را بیشتر می کرد. از عهدنامه صلح اعراب با اصفهانیان هم چنین بر می آید که اعراب به دنبال موضوعات اخلاقی و دینی خود نبوده اند و در آغاز صرفاً به دنبال تصرف و کسب درآمد بوده و یادآور شده اند تا زمانی که جزیه دهند و تابعیت و همراهی با اعراب داشته باشند، در امان هستند. در این پیمان، دشنام به مسلمین عقوبت و زدن آنها جزای مرگ را در پی داشت (طبری، ۱۳۷۵: ۱۹۶۵). تسخیر اصفهان برای اعراب مسلمان مهم بود و شرایط مناسب طبیعی و اقتصادی شهر نیز زمینه های جذب آنها را برای سکونت در این شهر فراهم کرد. بنابر گزارش یعقوبی، بسیاری از قبایل عرب مانند تمیم، بنی ضبه، خزاعه، بنی حنیفه در این شهر رحل اقامت افکندند و به مرور زمان اصفهانی شدند (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۵۰).

**فتح اصفهان در قیاس با فتح شهرهای هم تراز**  
چنانکه ذکر شد، چگونگی فتح شهرهای ایرانی در نوشته های مورخان اغلب با اختلاف ذکر شده و در هاله ای از تعصبات قومی و اختلاف شهری گزارش

ردیف	نام شهر	اولین فتح	فتح نخستین و مسایل و مشکلات	فتح دوم و سوم و گزارش قتل عام	مسایل خاص و اهمیت
۱	اصفهان	۲۳	۱. جی پس از نبرد مختصر به صلح گشوده شد. اشراف اصفهان هم تسلیم شدند. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۳۹)	هرمزان به عمر گفت: اصفهان سر است و فارس و آذربایجان دو بال (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۲۸)	
۲	همدان	۲۳	۱. اهل شهر در برابر جریر ابن عبدالله دفاع کردند و جریر کور شد اما پس از آن به صلح گشوده شد. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۳۵)	۲. مردم شهر همدان خود را آزاد کردند و جریر شهر را به قهر گشود. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۳۶) ۳. در زمان عثمان علاء بن وهب حاکم همدان شد. مردم بر او شوریدند و نقض عهد کردند. پس او با پشان جنگید و آنان تسلیم شدند و خراج و جزیه و سرانه و مال فراوان از ایشان گرفت. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۳۶؛ ابن اثیر، ۹ / ۲۹)	فتح همدان از سوی اهل کوفه
۳	ری	۲۱ (دو ماه پس از فتح نهاوند)	۱. عروه ابن زید به نبرد با اهل ری و دیلمیانی که به یاری آنان آمده بودند رفت. خداوند وی را بر ایشان ظفر داد و آنان را بکشت و از ریشه کند. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۶)	۲. مردم ری شورش کردند مغیره ابن شعبه کنترین شهاب را فرستاد و ری را دوباره فتح کرد (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۷) ۳. وقتی سعد بن ابی وقاص برای دومین بار بر کوفه ولایت یافت به ری آمد و آن دیار دچار آشوب بود او آن را اصلاح کرد. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۸) ۴. وقتی ابوموسی اشعری از طرف عثمان حاکم کوفه بود اهل ری مدام سر به عصیان برداشته و باز فتح می‌شدند تا آنکه آخرین بار قرظه ابن کعب آن را بگشود و از آن پس استوار ماند. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۸)	نزدیکی ری به طبرستان و رابطه میان آنها از گذشته سبب کمک گرفتن رازی‌ها از طبری‌ها است. غنایم ری به اندازه غنایم تیسفون بود. (طبری ج ۵ ص ۱۹۷۵)
۴	قم	۲۳	۱. ابوموسی یا احنف ابن قیس بدون مشکلی قم را فتح کردند. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۳۹)	۲. در زمان مامون اهل قم شورش کرده بودند و خراج نمی‌دادند. علی بن هشام از طرف مامون به سوی آنان فرستاده شد او رئیس آن را کشت و باروی شهرشان را ویران کرد و خراج فراوان از ایشان بگرفت. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۲)	

<p>کشتار مردم استخر و قسم خوردن عبدالله به این که باید خون جاری شود و نشد تا آب بر آن ریختند و جاری شد. (ابن البلیخی، ۱۳۸۵: ۱۱۶)</p>	<p>۲. مردم استخر پیمان شکستند و عبدالله بن عامر که شهر گور را تصرف کرده بود به استخر آمد و خون مردم را روان کرد. این به دلیل آن بود که اهل استخر شورش کرده بودند و با عبدالله بن عامر جنگیده و او را کشته بودند. این عامر یک صد هزار نفر را در استخر کشت. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۵۲۴) فارسنامه سه فتح از استخر ذکر کرده است. (ابن البلیخی، ۱۳۸۵: ۱۱۷)</p>	<p>۱. پس از فتح اصفهان ابوموسی اشعری به استخر رفت و موفق نشد. عثمان بن ابی العاص هم موفق نشد. عبدالله بن عامر در سال ۲۸ به استخر وارد شد و اهل شهر را تسلیم نمود. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۴۳)</p>	<p>۲۸</p>	<p>استخر</p>	<p>۵</p>
<p>شدت مقاومت ایرانیان تا حدی بود که کوفه هم به کمک آمد؛ از این رو شوشتر توسط بصره و کوفه تصرف شد. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۵۳۰)</p>	<p>۱. ابوموسی به شوشتر حمله برد که حدت و شدت ایرانیان در آنجا بود. اهل شوشتر مقاومت شدیدی کردند. فرماندار شوشتر همان هرمزان معروف است که از مهرجانقذف بود و در نبرد جلولا شرکت داشت. پس از مدت‌ها محاصره و جنگ بالاخره با خیانت یک ایرانی ابوموسی وارد قلعه شد و هرمزان خود را تسلیم کرد. ابوموسی هرکه را در قلعه یافت کشت. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۵۳۱)</p>	<p>۱۷</p>	<p>(دو سال طول کشید)</p>	<p>شوشتر</p>	<p>۶</p>
<p>قزوین مرز اسلام و دیلمان بوده و مکرر مورد حمله آنان بوده است این منطقه در دوران خلفای راشدین تا عباسیان با این عنوان ثغر خوانده می شد.</p>	<p>در فتوح البلدان بلاذری از اهدوار بودن قزوینان به اهل دیلم و یاری آنان نیز ناراضی بودن آنان از جزیه ذکری به میان آمده است. در کنار آن به شکل نامشخصی از آئین فاتحان دیگر به این شهر نام برده است. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۲۵۲) اما در تاریخ کریمیه به طور مشخص از مرحله دوم تصرف قزوین گفته شده است. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۷۷)</p>	<p>۱. برای بن عازب برای فتح قزوین مامور شد. اهل قزوین از دیالمه کمک خواستند اما آنان کمکی نکردند و قزوینیان تسلیم شدند. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۵۱)</p>	<p>۲۳ یا ۲۴</p>	<p>قزوین</p>	<p>۷</p>

داده‌های جدول فوق حاکی از برخورد مسالمت‌آمیز ساکنان اصفهان و سهولت فتح این شهر در مقایسه با دیگر شهرها است. این شواهد نشان می‌دهد که به رغم اولویت تصرف اصفهان برای اعراب، شهر با دردسر کمتر و در مرتبه اول فتح شده و مشکلات فتح‌های بعدی را نیز نداشته است. چنانکه در مطالب قبلی به تفصیل بررسی شد، زمینه‌های فتح اینچنینی اصفهان را باید در جغرافیای طبیعی و اقلیمی کارآمد شهر، موقعیت بهینه اقتصادی آن که محافظه‌کاری و واقع‌گرایی ساکنین برای حفظ این شرایط و حرص و ولع فاتحین برای استیلا بر این شرایط را در خود داشت، تنوع اعتقادی ساکنان شهر که مانع از هم‌گرایی لازم می‌شد، ناراضی‌های اجتماعی، اختلافات سیاسی و البته زمینه‌هایی جستجو کرد که به واسطه همسایگی شهر با کوه و دشت همواره با آن مواجه بوده و امکان دفاع موثر را از آن می‌گرفته است.

### بحث و نتیجه‌گیری

شهر اصفهان در دل فلات ایران و در حاشیه رودخانه زنده رود دارای موقعیت برتر طبیعی و نیز به سبب قرار گرفتن در سر چهارراه ایرانی، موقعیت ارزشمندی داشته است که از روزگار باستان مورد توجه حکومت‌های ایرانی بوده است. وضعیت مناسب آب و هوایی و وجود جلگه ارزشمند زاینده‌رود در کنار فرصت‌های تجارتي و صنعتی یهودیان در یهودیه، بر اهمیت این شهر می‌افزود تا جایی که این شهر مرکز زندگی اشراف و محل نگهداری سپاه به شمار می‌آمد. اگرچه

داده‌های تاریخی درباره دوران پیش از اسلام اصفهان اندک است، توجه خاص مسلمین به این شهر و رونق آن در دوران اسلامی حکایت از جایگاه مهم شهر دارد. اصفهان محل استقرار بخشی اشرافیت ساسانی بوده و حضور مزدکیان در این شهر از اختلافات طبقاتی و ناراضی‌های اجتماعی حکایت دارد. به علاوه، میان اشرافیت مستقر در اصفهان هم‌گرایی وجود نداشت و میان ایشان با حکومت مرکزی فاصله ایجاد شده بود؛ به گونه‌ای که یزدگرد سوم پس از رسیدن به اصفهان امکان ماندگاری در این شهر را نداشت. به علاوه سقوط زود هنگام پایتخت ساسانی و منفعت طلبی دهقانان و کارگزاران حکومتی آگاه بر شرایط نوظهور نیز در تسلیم شهر موثر بود. مصلحت اندیشی عمومی و تلاش آگاهانه رعایای شهری در جهت حفظ شرایط موجود هم در این میان بی‌تأثیر نبود. برخورد مسالمت‌آمیز مردم و فتح آسان این شهر تحت تأثیر عامل واحدی نبود. مهم‌ترین عوامل زمینه ساز تعامل مردم اصفهان با فاتحان مسلمان را می‌توان چنین دسته بندی کرد:

- اقلیم و طبیعت اصفهان که در جای خود به شدت در رونق اقتصادی شهر موثر بود و به سبب عدم برخورداری از امکانات طبیعی موثر برای دفاع از شهر، زمینه‌های فتح اصفهان را برای فاتحان شدنی می‌کرد. این مهم اقشار مختلف شهری را به واقع‌گرایی در برابر فاتحان وامی داشت تا در شرایط ناشی از عدم توانایی برای مقابله با مهاجمین مسلمان، شرایط معیشتی خود را هر چه بهتر حفظ کنند.

- موقعیت راهبردی اصفهان در جغرافیای



سیاسی ایران، فتح شهر را در حکم دل ایرانشهر برای اعراب پرجاذبه نشان می‌داد و سبب می‌شد تا تصرف آن را در راس برنامه‌های ایشان قرار دهند. بنابر گزارش منابع از زبان هرمزان اصفهان سر و فارس و آذربایجان جناحین پرنده تمثیلی وی بودند و فتح شهر علاوه بر کسب ثروت و مکنت می‌توانست سبب حفظ سلطه بر نواحی دیگر ایران شود.

- بافت قومی و جمعیتی اصفهان که در کنار عموم رعایا، خیل عظیمی از یهودیان و مزدکیان و دهقانان و بزرگان منتسب به حکومت را در خود جای داده بود سبب می‌شد که هر کدام از این اقشار در پی حفظ منفعت و یا کسب موقعیت، استیلای اعراب مسلمان را با بیم و امید بیشتری بنگرند. در این میان، به نظر می‌رسد عملکرد یهود که از سوی فاتحان به عنوان اهل کتاب مورد احترام نسبی قرار می‌گرفت و از درگیری‌های قبلی با دست نشانندگان حکومتی رهایی پیدا می‌کرد؛ سلوک هواداران مزدک که حاکمیت شرایط جدید را برون رفتی از فضای متصلب موجود قلمداد می‌کرده‌اند و البته رویکرد مصلحت‌جویانه واسپوهران و اشرافیت شهری که از هیچ کوششی برای ماندگاری شرایط خود فروگذار نبوده‌اند سهم موثرتری داشته‌است.

- نارضایتی عمومی رعایا از شرایط اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی موجود که به عنوان قشر حداکثری جمعیت و معمولاً عنصر مغفول در فهم شرایط تاریخی، پیام عدالت طلبانه اسلام را متفاوت از سلوک روحانیت وابسته به قدرت رو به زوال ساسانی تفسیر می‌کردند نیز در جای خود

بسیار موثر بود و به کارآمدی شرایط به نفع اعراب کمک می‌کرد. این عوامل سبب شدند تا ساکنان اصفهان نسبت به حضور اعراب و دادن مالیات به آنها واکنش جدی نشان ندهند و علاوه بر تسلیم بی‌دردسر شهر، همانند برخی شهرهای هم‌تراز با موقعیت اصفهان، جنبشی را هم علیه اعراب ایجاد نکنند.

### منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳). *تاریخ ابن خلدون*. جلد دوم. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۳). *وضع مالی و مالیه مسلمین*. تهران: سروش.
- اصفهانی، حافظ ابونعیم (۱۳۷۷). *ذکر اخبار اصفهان*. ترجمه نورالله کسائی. تهران: سروش.
- اصفهانی، حمزه ابن حسن (۱۳۶۷). *تاریخ پیامبران و شاهان*. ترجمه جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.
- آلتهایم فرانتس و روت استیل (۱۳۸۲). *تاریخ اقتصادی دولت ساسانی*. ترجمه هوشنگ صادقی. تهران: علمی و فرهنگی.
- بارتولد و. (۱۳۸۶). *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*. ترجمه حمزه سردادور. تهران: توس.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷). *فتوح البلدان*. ترجمه محمد توکل. تهران: نشر نقره.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۶۶). *اخبار الطوال*. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی.
- ربانی خوراسگانی، مینا (۱۳۷۰). *بررسی وضعیت جغرافیایی منطقه مرکزی شهر اصفهان*. اصفهان: دانشگاه اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا.
- سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان (۱۳۷۲). *آمارنامه استان اصفهان در سال ۱۳۷۲*.
- سرفراز، علی‌اکبر و فریدون آورزمانی (۱۳۸۰). *سکه‌های ایران*. تهران: سمت.

- سیرو، ماکسیم (۱۹۴۹). کاروانسراهای ایران. ترجمه عیسی بهنام. قاهره: انجمن شرق‌شناسی.
- صدیقی، غلامحسین (۱۳۷۲). جنبش‌های دینی ایرانی در قرون دوم و سوم هجری. تهران: پازنگ.
- طبری، محمد ابن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری. جلد ۵. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- فرای، ریچارد (۱۳۷۳). میراث باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- گریستن، سن آرتور (۱۳۶۷). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران: امیرکبیر.
- کولسنیکف آ. ا. (۱۳۸۹). ایران در آستانه سقوط ساسانیان. ترجمه محمدرفیع یحیایی. تهران: کندوکاو.
- گرائتوسکی و دیگران (۱۳۵۹). تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز. ترجمه کیخسرو کشاورزی. تهران: پویش.
- مافروخی، فضل بن سعد (۱۳۸۵). محاسن اصفهان. ترجمه حسین بن محمد آوی. به کوشش عباس اقبال. اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۸۴). فرهنگ ایرانی پیش از اسلام. تهران: توس.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱). نزهة القلوب. تصحیح محمد دبیرسیاقی. قزوین: حدیث امروز.
- مسعودی، علی بن الحسین (۱۳۷۰). مروج الذهب. جلد یکم. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۷۷). «نخستین فاتح اصفهان بعد از اسلام». مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. دوره دوم. شماره پانزدهم.
- میناسیان، کارو اون (۱۳۸۷). شاه دژ ارگ بلند نام اصفهان. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: اساطیر.
- ناصرخسرو (۱۳۷۲). سفرنامه ناصرخسرو. به کوشش نادر وزین پور. تهران: علمی و فرهنگی.
- یار شاطر، احسان (۱۳۸۹). تاریخ ایران کمبریج. جلد سوم قسمت دوم. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- یعقوبی علی بن واضح (۱۳۵۶). البلدان. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.